فصل‌نامه علمی پژوهشنامه تاریخ اسلام
سال چهاردهم، شماره پنجاه‌وچهارم، تابستان ۱۴۰۳
مقاله ترویجی، صفحات ۱۱۹-۱۴۰

بیجار در مسیر توسعه پهلوی دوم: تحلیلی اسنادی از سیاست‌های عمرانی و پیامدهای آن (۱۳۲۷-۱۳۵۲ش)

سجاد رحمانی فلاح[۱]
سید اصغر آقامیرزایی[۲]

چکیده

با آغاز دوره پهلوی دوم و شکل‌گیری اندیشه برنامه‌ریزی ملی، پنج برنامه عمرانی و توسعه اقتصادی-اجتماعی از سال ۱۳۲۷ تا ۱۳۵۶ش در سطح کشور طراحی و اجرا شد. هدف این برنامه‌ها ارتقای سطح زندگی مردم در حوزه‌هایی چون کشاورزی، بهداشت، آموزش، ارتباطات، و صنعتی‌شدن کشور بود. بااین‌حال، میزان اثرگذاری این برنامه‌ها در مناطق کمترتوسعه‌یافته مانند شهرستان بیجار کمتر مورد بررسی قرار گرفته است. مسئله اصلی پژوهش آن است که سیاست‌ها و برنامه‌های توسعه‌ای دوره پهلوی دوم تا چه اندازه توانستند زمینه رشد اقتصادی و اجتماعی شهرستان بیجار را در فاصله سال‌های ۱۳۲۷ تا ۱۳۵۲ش فراهم کنند و آیا اراده‌ای واقعی برای توسعه همه‌جانبه این منطقه وجود داشت یا خیر؟ این پژوهش با روش توصیفی-تحلیلی و رویکرد اسنادی، مبتنی‌بر منابع آرشیوی و گزارش‌های رسمی سازمان برنامه و آمارنامه‌های استان کردستان انجام شده‌است. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که اگرچه در چارچوب برنامه‌های عمرانی کشور، در حوزه کشاورزی، آموزش، راه‌سازی و خدمات اداری در شهرستان بیجار اقداماتی صورت گرفت، اما به دلیل ضعف ساختارهای اجرایی، کمبود سرمایه‌گذاری و ناهماهنگی میان دستگاه‌های دولتی، این برنامه‌ها به نتایج مطلوب نرسید. در نتیجه، شهرستان بیجار تا پایان برنامه چهارم عمرانی همچنان با چالش‌های مزمن اقتصادی و اجتماعی مواجه بود و توسعه متوازن آن تحقق نیافت.

کلیدواژه‌ها: بیجار، برنامه‌های عمرانی، توسعه اقتصادی، پهلوی دوم، کردستان.

---

۱. دانشجوی دکتری تاریخ ایران بعد از اسلام، دانشگاه خوارزمی، تهران ایران. sajjad.rahmani@khu.ac.ir
Orcid: 0009-0008-9285-1078

۲. دکتری تاریخ ایران بعد از اسلام، دانشگاه آزاد شبستر، شبستر، ایران (نویسنده مسئول).
Agamirzaee711@gmail.com
Orcid: 0009-0002-2498-721X

تاریخ دریافت: ۰۳/۰۴/۱۹ تاریخ پذیرش: ۰۳/۰۷/۱۰

[Downloaded from journal.isihistory.ir on 2026-10-24]

[DOI: 10.61882/islamhistory.1.54.7]

Bijar on the Path of Development during the Second Pahlavi Era: A Documentary Analysis of Development Policies and Their Consequences (1327–1352 SH)

Sajjad Rahmani Fallah[1]
Seyyed Asghar Agamirzaee[2]

Abstract

With the beginning of the Second Pahlavi period and the emergence of the concept of national planning, five national development and socio-economic programs were designed and implemented between 1327 and 1352 SH. These programs aimed to improve living standards across sectors such as agriculture, health, education, communications, and industrialization. However, the impact of these programs on less-developed areas like Bijar County has received little attention. The central question of this study is: To what extent did the development policies and programs of the Second Pahlavi era foster economic and social growth in Bijar County between 1327 and 1352 SH, and was there a genuine will to achieve comprehensive development in this region? Using a descriptive–analytical and documentary approach, based on archival materials, official reports of the Plan Organization, and the statistical yearbooks of Kurdistan Province, this research evaluates the outcomes of national development plans in Bijar. The findings show that although some measures were implemented in the fields of agriculture, education, road construction, and administrative services, the overall results fell short due to weak executive structures, insufficient investment, and poor coordination among governmental agencies. Consequently, by the end of the Fourth Development Plan, Bijar continued to face chronic economic and social challenges, and balanced regional development had not been achieved.

Keywords: Bijar, development programs, economic development, Second Pahlavi era, Kurdistan.

1. Ph.D. Candidate in History of Post-Islamic Iran, Kharazmi University, Tehran, Iran. sajjad.rahmani@khu.ac.ir
2. Ph.D. in History of Post-Islamic Iran, Islamic Azad University, Shabestar Branch, Shabestar, Iran (Corresponding Author). Agamirzaee711@gmail.com

[Downloaded from journal.isihistory.ir on 2026-10-24]

[DOI: 10.61882/islamhistory.1.54.7]

درآمد

قانون تقسیمات سیاسی ـ اداری نوین ایران در سال ۱۳۱٦ش به تصویب مجلس شورای ملی رسید. براساس این قانون، کشور به ده استان و چهل‌ونه شهرستان تقسیم شد. شهرستان سنندج جزو استان پنجم و شهرستان بیجار گروس و بخش‌هایی از سقز و بانه در محدوده استان چهارم قرار گرفتند. در تاریخ ۲۸ مهرماه ۱۳۳۷ش، فرمانداری کل کردستان با توجه به فرمان شورای وزرا از استان پنجم جدا شد و استان کردستان را تشکیل داد. در پرونده تغییر و تحولات تقسیمات کشوری مربوط به استان کردستان در سال‌های ۱۳۳۷ و ۱۳۳۸ش چنین آمده‌است: انتزاع و استقلال دارایی سقز و بانه از دارایی سنندج، انتزاع و استقلال دارایی اورامانات و بیجار از کرمانشاهان و ضمیمه شدن آنها به استان کردستان، تبدیل فرمانداری کل کردستان به استانداری، انتزاع دهستان قورجان از بوکان و الحاق آن به سقز و مصوبات هیئت وزیران درباره تبدیل بخش بانه به فرمانداری درجه دو و تابع استان کردستان.

شهرهای این استان شامل سنندج، گروس (بیجار)، سقز و قروه بود که بعدها مریوان و بانه نیز به آن اضافه شد (ساکما، سند ۲٤۰/۵۹۲۵٦). در دوره پهلوی دوم، شهرستان سنندج شامل سه بخشِ حومه با پنج دهستان، بخش ایران‌شاه با چهار دهستان و بخش کامیاران با چهار دهستان بود. شهرستان سقز یک بخش حومه با هفت دهستان داشت. شهرستان مریوان پنج بخشِ حومه با دو دهستان، خاو و میرآباد با یک دهستان، کلاترزان با سه دهستان، سرشیو با دو دهستان و سروآباد با سه دهستان داشت. شهرستان بیجار شامل یک بخش حومه و هشت دهستان بود. شهرستان قروه نیز از بخش حومه با سه دهستان و بخش ئیلاق با یک دهستان تشکیل می‌شد (*آمارنامه استان کردستان*، ۱۳۵۵، ص. ۵–٤). استان تازه‌تأسیس کردستان براساس معیارهای اقتصادی، محروم تلقی می‌شد. دو پایه اقتصادی آن، کشاورزی و دامداری، با وجود ظرفیت فراوان، کمترین بهره‌وری را داشت.

اندیشه برنامه‌ریزی در ایران برای نخستین‌بار در سال ۱۳۱۰ش توسط علی زاهدی

[Downloaded from journal.isihistory.ir on 2026-10-24]

[DOI: 10.61882/islamhistory.1.54.7]

مطرح شد. او رساله‌ای مفصل با عنوان «لزوم پروگرام {برنامه} صنعتی» نوشت و منتشر کرد. تلاش بعدی در سال ۱۳۱٦ش توسط ابوالحسن ابتهاج آغاز شد. او معتقد بود برای پیشرفت اجتماعی و اقتصادی کشور باید «نقشه» داشت. وی با کمک حسین علاء ضرورت برنامه‌ریزی برای توسعه را به رضاشاه ارائه داد. امّا مسائل بین‌المللی از جمله جنگ جهانی دوم، تبعید رضاشاه و مشکلات پس از جنگ، این موضوع را به تأخیر انداخت (غنی‌نژاد، ۱۳۸۹، ص.۲۰-۱۹).

با روی کار آمدن محمدرضا پهلوی و عادی شدن شرایط، اقتصادانان همچنان بر ضرورت داشتن برنامه‌ریزی برای پیشرفت کشور تأکید داشتند. دولت‌های مختلف دوره محمدرضا شاه برنامه‌ها و سیاست‌های کلی برای توسعه اقتصادی و اجتماعی ایران تدوین کردند. در شهریور ۱۳۲۵ش در نخستین جلسه هیئت عالی برنامه‌ریزی به ریاست نخست‌وزیر، کلیات برنامه هفت‌ساله اول و سایر پیشنهادهای هیئت بررسی شد. «هیئت تهیه برنامه اصلاحی و عمرانی» پس از رسیدگی به اطلاعات موجود، طرحی در دو بخش اقتصادی و اجتماعی تنظیم کرد و «اداره کل برنامه» مسئول اجرای آن شد. در تاریخ دوم اردیبهشت ۱۳۲۷ش، این طرح در کابینه حکیم‌الملک به مجلس تقدیم شد و در دوم شهریور همان سال، پس از تصویب مجلس در کابینه عبدالحسین‌خان هژیر، «اداره کل برنامه» به «سازمان موقت برنامه» تغییر نام داده و موظف شد مقدمات اجرای برنامه هفت‌ساله اول را فراهم آورد (گزارش کمیسیون برنامه مجلس، جلسه ٤ شهریور ۱۳۲۷، لایحه دولت حکیمی، ١٤ اردیبهشت ۱۳۲۷ و تصویب در کابینه هژیر).

به این ترتیب، در سال‌های ۱۳۲۷ تا ۱۳۵٦ش پنج برنامه توسعه اقتصادی و اجتماعی طراحی و اجرا شد. اجرای این برنامه‌ها بخشی از سیاست‌های توسعه‌گرایانه دوره محمدرضا پهلوی را تشکیل می‌داد و هدف آن رسیدن کشور به رشد سیاسی و اجتماعی بود. استان کردستان به همراه شهرستان‌های تابعه یکی از مناطق مورد نظر در این مسیر بود و برخی از برنامه‌های رشد و توسعه در زمینه‌های مختلف در آن اجرا شد. سؤال اصلی این پژوهش این است: با بررسی اسناد مراکز معتبر کشوری،

[Downloaded from journal.isihistory.ir on 2026-10-24]

[DOI: 10.61882/islamhistory.1.54.7]

رویکردهای اداری، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی برنامه‌های مذکور نسبت به توسعه شهرستان بیجار در دوره سال‌های ۱۳۲۷ تا ۱۳۵۲ش چگونه بوده‌است؟ آیا اراده‌ای برای تحقق توسعه همه‌جانبه این شهرستان وجود داشت؟ این پژوهش مبتنی‌بر داده‌های اسنادی در حوزه جغرافیایی شهرستان بیجار است و به همین دلیل تاکنون مطالعه مستقلی در این زمینه انجام نشده‌است.

تشکیلات اداری و تقسیمات کشوری

استان تازه تأسیس کردستان با دشواری‌های فراوانی در استقرار ادارات مواجه بود. برای نمونه گمرک سردشت از مهرماه ۱۳۳۶ش از گمرک کردستان منفک و به گمرک آذربایجان الحاق شد (ساکما، سند ۲٤۰/۵۹۲۵٦). اداره دارایی سقز در مهرماه ۱۳۳۸ش از دارایی سنندج منتزع و مستقل شد و دارایی بانه نیز از سنندج منفک و به دارایی سقز ملحق شد (ساکما، شماره سند ۲۳۰/۱۳۷۸٦).

بیجارگروس در سال ۱۳۱۸ش در تقسیمات کشوری جدید به استان آذربایجان غربی واگذار شد. در پانزدهم دی‌ماه ۱۳۲٤ش، هیأت دولت ایران، گروس را که شهرستانی در مرز استان‌های آذربایجان و دولت مرکزی بود، از استان آذربایجان غربی جدا کرد تا مستقیماً توسط وزارت کشور اداره شود. بیجارگروس در سال ۱۳۲۵ش به استان کرمانشاهان واگذار شد و امور اداری آن از مرکز استان (شهر کرمانشاه) انجام می‌گرفت. در همین سال، اتحادیه‌ای با عنوان «جوانان بیجار» در مرکز شهرستان تشکیل شد که هدف آن اصلاح وضع نامطلوب اقتصادی و اجتماعی شهرستان اعلام شد (روزنامه اطلاعات، دی ۱۳۲٤، ص. ٦). در سال ۱۳۳۰ش، برای مدت کوتاهی شهرستان بیجار تحت نظر فرمانداری کل همدان قرار گرفت. از جمله مشکلات اداری که موجب اعتراض مردم به بازرسی شاهنشاهی می‌شد، آشفتگی برخی ادارات بود که زیر نظر استان همدان فعالیت می‌کردند. دادگاه بخش و گروهان بیجار حداقل تا سال ۱۳٤٤ش زیر نظر همدان باقی ماند (ساکما، سند ۹۱/۲۹۳/۱۰۱۲۲). همچنین تا سال ۱۳٤۱ش، دایره مهندسی اداره بهداشت کردستان تابع کرمانشاه و بقیه دوایر تابع استان کردستان

[Downloaded from journal.isihistory.ir on 2026-10-24]

[DOI: 10.61882/islamhistory.1.54.7]

بودند (روزنامه اطلاعات، بهمن ۱۳٤۱، ص. ۱۰).

با تأسیس استان کردستان در سال ۱۳۳۷ش، شهرستان بیجار یکی از اولین شهرستان‌های این استان شد. شهرستان بیجار در دوران پهلوی در زمینه‌های اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و عمرانی نه‌تنها رشد چندانی نداشت، بلکه روندی نزولی را طی می‌کرد و حتی رونق گذشته خود را نیز از دست داد. به‌عنوان مثال، این شهرستان بیمارستان، مراکز درمانی و راه‌های ارتباطی مناسبی نداشت. تنها راه ارتباطی مهم، راه شوسه همدان–بیجار بود که شش ماه از سال به دلیل بارش و نبود امکانات راهداری مسدود می‌شد.

یکی دیگر از مسائل، وضعیت امنیت در روستاها و جاده‌ها و کارکرد قوانین ژاندارمری بود. برای نمونه، مردم بیجار درخواست انتزاع بخش تکاب از شهرستان مراغه را داشتند، زیرا فاصله تکاب تا مراغه حدود ۲۱۳ کیلومتر و تا بیجار تنها ۷۵ کیلومتر بود. این اقدام نه‌تنها خدمت‌رسانی به اهالی تکاب را تسهیل می‌کرد، بلکه امنیت شهرستان بیجار را نیز بهبود می‌بخشید، زیرا بیشتر سارقین پس از سرقت از حوزه ژاندارمری روستای جعفرآباد سیاه‌منصور (تابع ژاندارمری بیجار) به تکاب گریخته که تنها ۲٤ کیلومتر با پاسگاه جعفرآباد فاصله داشت؛ در حالی‌که بر اساس قانون، پاسگاه ژاندارمری جعفرآباد نمی‌توانست آنها را تعقیب کند (مرکز اسناد ریاست جمهوری، ش ۱٤۵۱۱).

آموزش و تعلیم و تربیت

در دوران حکومت رضاشاه، تلاش‌هایی برای مدرسه‌سازی و توسعه معارف، از جمله در کردستان، صورت گرفت. اداره معارف کردستان و بیجار ابتدا تحت نظر اداره معارف همدان تقسیم‌بندی می‌شد که به حوزه معارف غرب کشور مشهور بود (ساکما، سند ۲۹۷/۳٦۲۱، ۲۹۷/۲۷۸۰۵، ۲۹۷/٤۲۹۷۲). به‌طوری که هرگاه معلمی به بیجار اعزام می‌شد، تحت نظارت اداره معارف همدان قرار می‌گرفت. کفیل وزارت معارف در سال ۱۳۰٤ش خواستار افزایش قابل توجه بودجه وزارت معارف برای توسعه مدارس در

[Downloaded from journal.isihistory.ir on 2026-10-24]

[DOI: 10.61882/islamhistory.1.54.7]

مناطقی چون کردستان و آذربایجان شد (مجلّه تعلیم و تربیت، ۱۳۰٤، ص. ۲٤). بر اساس احصائیه سال ۱۳۰٤ش روزنامه اطلاعات، در کردستان سه مدرسه دولتی و پنج مدرسه ملی پسرانه ابتدایی وجود داشت که تا آن زمان، جمعاً ٦٤۸ باب مدرسه در سراسر ایران تأسیس شد (روزنامه اطلاعات، ۱۳۰۵/۰٦/۱٦). در سال ۱۳۰۵ش، بودجه معارف استان کردستان حدود یازده هزار تومان بود که نسبت به بودجه سال ۱۳۰۳ش بیش از سه برابر افزایش یافته بود (ساکما، سند ۲۹۷/۲٤٦۵۱). تحصیل اجباری در استان کردستان برای کودکان حداقل تا سال ۱۳۳۷ش محقق نشده بود (ساکما، سند ۲۹۷/۲۵۸۱۱). طبق گزارش «هیئت بررسی بهبود امور مناطق کردنشین» از تاریخ ۱۳۳۷/۲/۷ تا ۱۳۳۷/۳/۱۵ش، مجموع کل دانش‌آموزان پسر و دختر در کردستان ۷٦۰۰ نفر بود. اگر این تعداد را نسبت به کل جمعیت کردستان (۵٦۰ هزار نفر) محاسبه کنیم، کودکان ٦ تا ۱٤ سال کردستانی در سال ۱۳۳۷ش حدود ۱۵۰ هزار نفر بودند. بنابراین با وجود ۷٦۰۰ دانش‌آموز، تنها حدود چهار درصد آنان به مدرسه می‌رفتند، در حالی‌که این درصد در میانگین کشوری پانزده درصد بود. مشکل دیگر دانش‌آموزانی بود که به دلیل اشتغال در کار کشاورزی و دامداری، اوقات کمی را در مدارس می‌گذراندند (ساکما، سند ۲۹۰/۸۳۳۰). نرخ بی‌سوادی در برخی از روستاهای بیجار به صد درصد می‌رسید (ساکما، سند ۹۱/۲۹۳/۲۵۵۳).

در دوره پهلوی اول، مدارسی به سبک جدید در شهرهای مختلف کردستان ساخته شد، امّا این میزان تناسبی با رشد جمعیت و عقب‌ماندگی منطقه نداشت. براساس اولین سرشماری رسمی ایران در سال ۱۳۳۵ش جمعیت شهرستان بیجار برابر با ۸۰۷۷٤ نفر (۹۰۹ نفر شهری و ۷۱٦۸٤ نفر روستایی) بود (*آمارنامه عمومی*، ۱۳۳۸: ص. ۱). همچنین در آخرین سرشماری دوره پهلوی در در گزارش مرکز آمار ایران جمیت این شهرستان در سال ۱۳۵۳ش، ۱۱۸٦۰۰ نفر (۱٦۰۵۰ نفر شهری و ۱۰۲۵۵۰ نفر روستایی) بوده‌است (*آمارنامه استان کردستان*، ۱۳۵۵، ص. ٦).

برای فهم دقیق‌تر، به‌صورت موردی وضعیت مدارس شهرستان بیجار بررسی

[Downloaded from journal.isihistory.ir on 2026-10-24]

[DOI: 10.61882/islamhistory.1.54.7]

می‌شود. خانم کوکب کبودوندیان دبستان دخترانه همت بیجار را در سال ۱۳۰٤ش تأسیس کرد (روزنامه اطلاعات، دی ۱۳٤۲، ص. ۱۰). در سال ۱۳۱۵ش، دبستان اتحاد الیانس کلیمیان بیجار دایر بود و نیاز به کمک مالی شدید داشت (ساکما، سند ۲۹۷/۱٤۲۲٤). در همان سال، تقاضای تجدید بنای دبستان دولتی (پهلوی) بیجار مطرح شد (ساکما، سند ۲۹۷/٥٦۹٦۷). این دبستان در سال ۱۳۰۸ش نیز تعمیر شده بود (همان، سند ۲۹۷/۲۲٦۰۲).

اهالی روستای خسروآباد گروس، از توابع شهرستان بیجار، در سال ۱۳۱۵ش درخواست توسعه دبستان دولتی هدایت را داشتند (ساکما، سند ۲۹۷/۱٥۰٦۰). در همان سال، اداره معارف گروس با انتقال دبستان تازه تأسیس روستای مهرآباد (از توابع گروس) به شهر بیجار موافقت کرد که این امر نشانه کمبود معلم در بیجار بود (ساکما، سند ۲۹۷/۱٥۰۳۸). در سال ۱۳۱۷ش، به دلیل کمبود مدرسه، مسئولان فرهنگ بیجار ناچار شدند یکی از آموزشگاه‌های شهر را به دو بخش دبستان و دبیرستان تقسیم کنند و تراکم دانش‌آموزان را در کلاس‌ها افزایش دهند (ساکما، سند ۲۹۷/۲۰٥۹٦). در سال ۱۳۲٥ش امتیاز تأسیس دبستان ملی اتحاد در شهر بیجار صادر شد (ساکما، سند ۲۹۷/۱٤۲۳۷). این مشکلات تا تابستان ۱۳٤۰ش ادامه داشت، تا اینکه هیأتی از سازمان برنامه کشور به استان کردستان سفر کرد و در گزارش خود پیشنهاد ساخت ۲٥۰ دبستان در قالب برنامه پنج‌ساله سوم توسعه (سالانه ٥۰ دبستان) را ارائه کرد (ساکما، سند ۲۲۰/۱٤۷۱۹). همچنین، در گزارش سازمان برنامه به سال ۱۳٤۱ش آمده است که زیرساخت‌های فرهنگی کردستان تنها توان پذیرش بیست درصد از نوآموزان را دارد (گزارش مقدماتی مطالعات عمران ناحیه کردستان، ۱۳٤۱، ص. ۱۳).

در مهرماه ۱۳٤۲ش، در شهر بیجار با جمعیتی حدود پانزده هزار نفر، تنها یک دبیرستان پنج‌کلاسه پسرانه و یک دبیرستان سه‌کلاسه دخترانه وجود داشت که قادر به پوشش تمام دانش‌آموزان نبود. در نتیجه، بسیاری از دانش‌آموزان یا ترک تحصیل می‌کردند یا به شهرهای اطراف مهاجرت می‌کردند. از دیگر مشکلات اساسی، نبود

[Downloaded from journal.isihistory.ir on 2026-10-24]

[DOI: 10.61882/islamhistory.1.54.7]

کلاس ششم متوسطه برای پسران و کلاس چهارم متوسطه برای دختران بود که منجر به ترک تحصیل تعداد زیادی از دانش‌آموزان این مقاطع شد. وضعیت نابسامان مدارس بیجار به‌گونه‌ای بود که بر اساس گزارش روزنامه اطلاعات تا ۳۰ مهر ۱۳٤۲ش هیچ کتاب درسی به دست دانش‌آموزان نرسیده بود (روزنامه اطلاعات، مهر۱۳٤۲، ص. ۱۰).

تا سال ۱۳۵۲ش شمار قابل توجهی از روستاهای کردستان همچنان فاقد مدرسه بودند و ساخت مدارس یکی از نیازهای زیربنایی استان مطرح بود (ساکما، سند ۹۱/۲۹۳/۲۵۵۳). هدف از مدرسه‌سازی در استان کردستان تنها پاسخی به نیاز تحصیلی دانش‌آموزان نبود، بلکه ترویج زبان ملی فارسی و گسترش روحیه ملی‌گرایی نیز در چارچوب آموزش در دستور کار مسئولان قرار داشت (ساکما، سند ۲۲۰/۱٤۷۱۹). با توجه به تقاضای گسترده برای احداث مدارس و محدودیت بودجه دولتی، مشارکت خیرین مدرسه‌ساز به امری ناگزیر بدل شد. شماری از خیرین بیجاری نیز در ایجاد زیرساخت‌های آموزشی، به‌ویژه در احداث دبستان‌ها و دبیرستان‌ها، کمک‌های قابل توجهی انجام دادند (روزنامه اطلاعات، خرداد ۱۳٤۲، ص. ۱۰).

اقتصاد کشاورزی و اصلاحات ارضی

در برنامه عمرانی هفت‌ساله دوم (۱۳۳٤–۱۳٤۱ش)، سوم (۱۳٤۱–۱۳٤٦ش) و چهارم (۱۳٤٦–۱۳۵۱ش)، روستاگرایی و توجه به بخش کشاورزی جایگاه ویژه‌ای نزد برنامه‌ریزان داشت. در این برنامه‌ها طرح‌های خدماتی همچون تأمین برق، آب، تلفن، بهداشت عمومی، راه‌سازی و حمایت از توسعه صنایع پیش‌بینی شد. برنامه عمرانی دوم به‌طور خاص بر ایجاد و توسعه تأسیسات زیربنایی در قالب چهار فصل (کشاورزی و آبیاری، ارتباطات و مخابرات، صنایع و معادن، و امور اجتماعی و بهداشت) متمرکز بود (مجموعه قوانین برنامه‌های عمرانی کشور، ۱۳۲۷–۱۳٦۸، ص. ٤٦). با این حال، در استان کردستان و شهرستان بیجار این طرح‌ها به دلایل مختلفی نتوانستند اهداف مورد نظر برنامه‌ریزان را در عمل محقق سازند.

در اقتصاد روستایی، مهم‌ترین عوامل تولید شامل گاو، نیروی کار و بذر بود. بر این

[Downloaded from journal.isihistory.ir on 2026-10-24]

[DOI: 10.61882/islamhistory.1.54.7]

اساس، دهقانان به چند دسته تقسیم می‌شدند: ۱) دهقانانی که حق نسق و کلیه عوامل تولید را در اختیار داشتند و خود واحد تولیدی را اداره می‌کردند؛ ۲) دهقانانی که علاوه‌بر حق نسق، ابزار تولیدی مانند گاو و بذر نیز داشتند؛ ۳) زارعانی که با وجود داشتن حق نسق، تنها یکی از عوامل تولید (برای مثال بذر یا گاو) را تأمین می‌کردند و در چنین حالتی با زارع دیگری شراکت تشکیل داده و محصول را میان خود تقسیم می‌کردند.

اجرای برنامه اصلاحات ارضی یکی از مهم‌ترین اقدامات اقتصادی و اجتماعی دوران محمدرضا پهلوی بود که تحت تأثیر عوامل داخلی و خارجی شکل گرفت. برنامه عمرانی سوم توسعه و انقلاب سفید در دوران نخست‌وزیری علی امینی به تصویب رسید و استان کردستان از نخستین مناطقی بود که اصلاحات ارضی در آن اجرا شد. در میان روستاییان، دوره پیش از اصلاحات ارضی به «دوره مالک» شناخته می‌شد و مالکان با عناوینی چون خان، سلطان، شیخ، بگ و آغا یاد می‌شدند (بریین، ۱۳۷۸، ص. ۱۷). واحد اندازه‌گیری املاک دانگ بود؛ هر ملک شش‌دانگ و هر دانگ شانزده شعیر به حساب می‌آمد.

بر اساس مصاحبه‌ها و تحقیقات میدانی نگارندگان، نظام بهره‌برداری در روستاهای شهرستان بیجار بر پایه نقش‌هایی چون مالک، مباشر، کدخدا، کشاورز و افراد بی‌زمین (خوش‌نشین) سازمان یافته بود. زمین از سوی مالک به کشاورز واگذار می‌شد و ادامه کار کشاورز وابسته به رضایت مالک بود. معیار اصلی این رضایت، میزان تلاش و کوشش کشاورز در بهره‌برداری بهتر و آبادانی روستا به‌شمار می‌رفت. معیار سنجش زمین در بیشتر روستاها «من، خروار، پوت و تغار» بود. معمولاً تهیه بذر و نیروی کار بر عهده کشاورز قرار داشت. کشاورزان مردمانی صبور، قانع و شکرگزار توصیف می‌شدند. در روستاهایی که زمین‌ها آبیاری می‌شد، فردی با عنوان «میرآب» مسئولیت نظارت بر تقسیم آب و تعیین نوبت بهره‌برداری را بر عهده داشت. منابع آبی شامل رودخانه، چشمه، چاه و قنات بود و توزیع آب بر اساس توافق و عرف محلی ـ که در

[Downloaded from journal.isihistory.ir on 2026-10-24]

[DOI: 10.61882/islamhistory.1.54.7]

بسیاری از روستاها به نام «جوغ‌بندی» شناخته می‌شد ـ انجام می‌گرفت (لمبتون، ۱۳٤٥، ص. ٤۲).

اشتغال تاریخی در شهرستان بیجار عمدتاً بر کشاورزی و دامداری مبتنی بود. فعالیتی که تنها معاش حداقلی را تأمین می‌کرد و امکان پس‌انداز یا سرمایه‌گذاری در آن بسیار محدود بود. در دهه سی و اوایل دهه چهل شمسی، میزان برداشت محصول در روستاها معمولاً به‌صورت «یک تخم، هفت تخم» گزارش شده که نشان‌دهنده پایین بودن راندمان زمین‌های زراعی است. این شرایط اقتصادی محدود، بهره‌وری کم و صرفه اقتصادی ناچیز مالکیت زمین در مقیاس کوچک را توجیه می‌کرد و باعث می‌شد کشاورزان و مالکین انگیزه کمی برای سرمایه‌گذاری و توسعه پایدار در بخش کشاورزی داشته باشند (ساکما، سند ۲۹۰/۸۳۳۰).

اجرای اصلاحات ارضی در استان کردستان در بیستم شهریور ۱۳٤۱ش با انتشار آگهی نوبت اول و تسلیم اظهارنامه به مالکان مناطق قروه و سنندج آغاز شد (روزنامه اطلاعات، شهریور ۱۳٤۱، ص. ٥). از مجموع ۷۷٤ روستای استان، ٤٦۰ روستا مشمول تقسیم اراضی شدند و زمین‌های کشاورزی به زارعان واگذار شد. در شهرستان بیجار گروس که تعداد روستاهای آن ۲٦۷ روستا اعلام شده بود، در آگهی نوبت اول مورخ یکم آبان ۱۳٤۱ش، همزمان ۱۸ روستای شش‌دانگ و ۳۷ روستای کمتر از شش‌دانگ میان زارعان تقسیم شد (روزنامه اطلاعات، آبان ۱۳٤۱، ص. ۱۷).

بیشتر مالکان روستاهای شهرستان بیجار در شهرهای بزرگ مانند تهران و همدان سکونت داشتند. برخی از مالکان، زمین‌های حاصلخیز روستای خود را سه سال پیش از اجرای اصلاحات ارضی (به‌صورت صوری)، به فرزندان و اعضای خانواده خود انتقال داده بودند و در عوض ۸٦ روستای خالی از سکنه و فعالیت کشاورزی را به دولت جهت اجرای طرح معرفی کردند. علاوه‌بر این، بهترین زمین‌های روستاهای حاصلخیز را به بهانه مکانیزه کردن کشاورزی، به سهم شش‌دانگ خود اختصاص دادند. با این حال، برخلاف دیگر شهرستان‌های استان، مالکان بیجار مخالفت چندانی با اجرای

[Downloaded from journal.isihistory.ir on 2026-10-24]

[DOI: 10.61882/islamhistory.1.54.7]

اصلاحات نشان ندادند و روند تقسیمات اراضی در این شهرستان با کمترین تنش و به‌صورت مسالمت‌آمیز انجام شد. در مقابل، در شهرستان‌های سقز، بانه و مریوان، اجرای برنامه اصلاحات ارضی با موضع‌گیری زمین‌داران مواجه شد که هر یک دلایل خاص خود را داشتند. از جمله، بقای ساختارهای قبیلگی در سقز، بانه، دیواندره، مریوان و اورامانات که از مهم‌ترین ویژگی‌های اجتماعی این نواحی به‌شمار می‌رفت و باعث مقاومت مالکان شد. هرچند مردم این مناطق عمدتاً در روستاها سکونت داشتند، امّا بافت قبیلگی خود را حفظ کرده بودند (سجادی، ۱۳۸۱، ص. ۲۶). همچنین سکونت مالکان در روستاها اثرات روانی، اجتماعی و اقتصادی قابل توجهی بر زندگی روستاییان برجای می‌گذاشت. مالکان شهرستان سقز هنگامی که با اصرار مأموران دولتی برای واگذاری زمین‌های خود مواجه شدند، با کشاورزان برخوردهای نامناسبی داشتند و برای مثال در روستای ایرانشاه و چند روستای دیگر، کشاورزان را از محل سکونتشان اخراج کردند (مرکز بررسی اسناد تاریخی وزارت اطلاعات، ۱۳۷۸، ص. ۱۳۱).

صنایع‌دستی رایج در روستاهای شهرستان بیجار شامل جاجیم‌بافی، موج‌بافی، شال‌بافی، جوراب و دستکش پشمی، قالی‌بافی، گلیم‌بافی و بافت سجاده بود. در این دوره، صنعت فرش‌بافی و گلیم‌بافی در شهرستان بیجار روند افول خود را طی می‌کرد و نقشه‌های اصیل بیجار جای خود را به نقشه‌های کاشان و اصفهان دادند. در سال ۱۳۴۲ش، شرکت فرش بیجار شصت دستگاه فرش‌بافی (دار قالی) را در منازل مستقر کرد و در مجموع، حدود ۳۵۰ دستگاه فرش‌بافی در شهر بیجار و روستاهای تابعه مشغول فعالیت بودند. علاوه‌بر فرش، محصولات دیگری مانند پشم، کیسه، جاجیم، دستکش و جوراب نیز تولید می‌شد. در قریه حسن‌آباد بیش از یک‌هزار دستگاه کیسه‌بافی فعالیت داشت و بهترین نوع کیسه‌های حمام در این منطقه بافته می‌شد. گلیم بیجار به دلیل کیفیت مرغوب، معمولاً به‌صورت سفارشی تولید می‌شد. در روستای ده‌بنه، دستکش‌های مرغوب از کرک بز بافته می‌شد و قیمت هر جفت آن ۲۰۰ تا ۳۰۰ ریال بود در سایر روستاها نیز دستکش‌های پشمی تولید می‌شد که قیمت هر جفت آن حدود ۵۰ ریال بود (امکانات توسعه صنعتی

[Downloaded from journal.isihistory.ir on 2026-10-24]

[DOI: 10.61882/islamhistory.1.54.7]

در کردستان و کرمانشاهان، بی‌تا: ۱۶۷–۱۶۹).

اوضاع اجتماعی و امکانات رفاهی

بررسی فهرست برنامه‌های عمرانی به مناسبت جشن‌های ۲۵۰۰ ساله بنیان‌گذاری شاهنشاهی ایران در شهرستان بیجار نشان می‌دهد که هیچ طرح صنعتی در میان آنها وجود نداشته است. این فهرست شامل موارد زیر بود: احداث ساختمان بانک ملی، خانه انصاف، درمانگاه، ساختمان سازمان شاهنشاهی، دبستان، سالن سرپوشیده ورزشی، آسفالت خیابان‌ها، بلوارسازی، میدان‌سازی، احداث استخر، نصب تیر چراغ برق، احداث پارک، خرید دستگاه مولد برق، ساخت مسجد جامع و حسینیه و احداث حمام و دوش در سه روستا (ساکما، سند ۹۱/۲۹۳/۲۵۶۵).

راه همواره یکی از مهم‌ترین مسائل عمرانی شهرستان بیجار بوده‌است. راه‌های بین‌شهری عمدتاً شوسه و کم‌عرض بودند و بیشتر روستاها نیز فاقد راه فرعی مناسب بودند. منوچهر اقبال، نخست‌وزیر وقت ایران، در نطقی در مجلس شورای ملی تأکید کرد که «در کردستان، موضوع راه‌ها اولویت دارد، زیرا منطقه‌ای کوهستانی است و هر نوع اصلاحی، چه در زمینه ساختمان و چه فرهنگ، مستلزم وجود راه است؛ اگر راه نباشد، هیچ کاری انجام نمی‌شود» (مشروح مذاکرات مجلس شورای ملی، ۱۳۳۷، ج ۲۱۳). وضعیت راه‌ها به گونه‌ای بود که در فصول سرد سال، رفت و آمد بین روستاها اغلب قطع بود و امکات تردد وجود نداشت (ساکما، سند ۹۱/۲۹۳/۲۸۲۲). هیئت اعزامی دولت برای بررسی بهبود امور مناطق کردنشین (۱۳۳۷/۲/۷ تا ۱۳۳۷/۳/۱۵ش) در گزارش محرمانه خود تأکید کرد که حتی راه‌های ارابه‌رو نیز در بسیاری از روستاهای کردستان وجود ندارد (ساکما، سند ۲۹۰/۸۳۳۰). با وجود رودخانه‌ها، کمبود یا نبود پل‌ها مشکل مضاعفی را ایجاد کرده بود. در سال ۱۳۳۸ش، پل‌های راه‌های سنندج – همدان و سنندج – مریوان با اعتبار ۱۷.۵ میلیون ریال از محل پذیره نفت ساخته شد. در منطقه بیجار، تکاب و دیواندره، در طول ۱۸۰ کیلومتر از مسیر رودخانه قزل‌اوزن، حداقل تا سال ۱۳۴۷ش هیچ پلی وجود نداشت (مرکز اسناد ریاست

[Downloaded from journal.isihistory.ir on 2026-10-24]

[DOI: 10.61882/islamhistory.1.54.7]

جمهوری، ش ۱۰۰۰۱۶۸۷۷).

علاوه‌بر مشکلات راه، تلگراف‌های شهرستان‌های استان کردستان در دهه سی شمسی تا ده روز برای رسیدن به مقصد زمان می‌برد (ساکما، سند ۲۳۰/۷۴۹۱). وضعیت تلفن در شهرهای استان نیز نامناسب بود و با وجود تقاضای بالا برای خرید اشتراک، سرمایه‌گذاری دولت در این بخش کافی نبود، تا جایی که روزنامه اطلاعات گزارش مفصلی درباره مشکلات تلفن شهرستان بیجار منتشر کرد (روزنامه اطلاعات، اسفند۱۳۳٤، ص. ۷).

از نظر بهداشتی، وضعیت شهرستان بیجار بسیار نامناسب بود. تنها ۸۷ روستا (حدود ۳۰ درصد) از حمام عمومی برخوردار بودند و هیچ‌یک از روستاهای این حوزه دارای مؤسسات بهداشتی یا درمانی نبودند. نیاز مبرم به نیروی متخصص پزشکی، به‌ویژه پزشک و جراح، حداقل تا اواخر دوره پهلوی به دلیل کمبود متخصصان، تأمین نشد و باعث ایجاد مشکلات جدی بهداشتی شد (ساکما، سند ۲۹۰/۵٦۱۲). برای نمونه، بیمارستان سنندج در سال ۱۳۳۷ش دارای دستگاه عکسبرداری بود، اما پزشک متخصص برای بهره‌برداری از آن وجود نداشت (مشروح مذاکرات مجلس شورای ملی، ۱۳۳٤، ج ۲٤۸). همچنین، فقدان قابله تحصیل‌کرده در شهرستان بیجار در سال ۱۳٤۲ش موجب نگرانی مردم و از دغدغه‌های مهم آنان بود (روزنامه اطلاعات، آبان ۱۳٤۲، ص. ۱۰). تأسیس بیمارستان‌های سنندج، مریوان و بیجار با اختصاص مبلغ پنج میلیون ریال در تیرماه ۱۳۳٤ش توسط سازمان برنامه آغاز شد (همان، تیر ۱۳۳٤، ص. ۷). در آن زمان، دکتر حاکمی ریاست بهداری سنندج را بر عهده داشت (همان، ص. ۱۷). سه بیمارستان شهناز پهلوی بیجار، ۲۵ تختخوابی مریوان و ۲۵ تختخوابی بانه، در مرداد ۱۳٤۳ش با حضور دکتر آموزگار، وزیر بهداری، افتتاح شد (روزنامه ایران نوین، مرداد ۱۳٤۳، ص. ٤). وزارت بهداری و سپاه بهداشت تنها در مناطقی که راه‌های مناسبی داشتند، اقدام به ساخت درمانگاه می‌کردند و روستاهای فاقد جاده از امکانات بهداشتی محروم بودند (ساکما، سند ۹۱/۲۹۳/۲۵۵۳). در زمان بارش برف و مسدود

[Downloaded from journal.isihistory.ir on 2026-10-24]

[DOI: 10.61882/islamhistory.1.54.7]

شدن راه‌های ارتباطی، کمبود دارو در روستاها به مشکلی جدی تبدیل می‌شد (ساکما، سند ۹۱/۲۹۳/۹۶۱۸). همچنین به دلیل نبود راه‌های مناسب و وجود گردنه‌های صعب‌العبور، دامپزشکان هنگام شیوع بیماری‌های دامی با مشکلات فراوانی برای دسترسی به روستاها مواجه بودند. در سرمای سال ۱۳۴۲ش، بیش از نیمی از دام‌های استان کردستان تلف شدند (امکانات توسعه صنعتی در کردستان، بی‌تا، ص. ۲۱). در فصل زمستان، قطع یا محدودیت ارتباط بین روستا و شهر، تجهیز اکیپ‌های بهداشتی به وسایل دارویی و امدادی را با دشواری مواجه می‌کرد (ساکما، سند ۹۱/۲۹۳/۱۰۱۲۲).

در دوره پهلوی، تشکیلات اجتماعی شامل انجمن‌های شهر و ده، خانه انصاف، خانه دهقان، جمعیت شیر و خورشید، سازمان پیشاهنگی، سازمان‌های زنان و امور خیریه بود. مردم شهرهای استان کردستان تمایل چندانی به مشارکت در اجتماعات و فعالیت‌های گروهی نشان نمی‌دادند. به همین دلیل، دولت برای ایجاد انجمن‌های روستایی، خانه‌های انصاف و شوراهای محلی اقدام کرد (ساکما، سند ۹۱/۲۹۳/۲۴۹۵). از اوایل دهه ۱۳۳۰ش، شهرهای کردستان دارای انجمن شهر شدند. برای نمونه، حدود ۲۲۷ روستا در بیجار گروس (معادل ۸۷ درصد) شورای ده داشتند، اما این شوراها فعالیت مؤثری نداشتند. تا اواخر دوره پهلوی، هر روستا معمولاً یک کدخدا، یک رئیس انجمن، یک رئیس خانه انصاف و یک سپاهی دانش داشت (ساکما، سند ۹۱/۲۹۳/۲۵۰۰). تقریباً هیچ یک از آبادی‌های استان کردستان تا سال ۱۳۵۲ش بدون انجمن ده نبودند (ساکما، سند ۹۱/۲۹۳/۹۶۱۸). حقوق کدخدا یا دهبان توسط مالک یا رعیت پرداخت می‌شد، اما تعیین کدخدا با پیشنهاد مالک یا مالکین و تصویب بخشداری و تأیید فرمانداری انجام می‌گرفت (ساکما، سند ۲۹۰/۸۳۳۰). کدخدایان و اعضای انجمن‌های روستایی در مناسبت‌هایی مانند جشن ۲۵۰۰ ساله شاهنشاهی، مراسم را در روستاهای خود برگزار می‌کردند و گزارش آن را به بخشداری‌ها و فرمانداری‌ها ارسال می‌کردند (ساکما، سند ۹۱/۲۹۳/۲۵۶۵).

زنان نیز تمایل چندانی به مشارکت در برنامه‌های اجتماعی نشان نمی‌دادند، اما رژیم

[Downloaded from journal.isihistory.ir on 2026-10-24]

[DOI: 10.61882/islamhistory.1.54.7]

پهلوی تلاش داشت تا آنان را به فعالیت در سازمان‌های اجتماعی ترغیب کند. در همین راستا، انتخابات شورای بانوان وابسته به جمعیت شیر و خورشید سنندج در آبان‌ماه ۱۳٤۲ش برگزار شد و خانم‌ها همدم حبیبی، تاج‌الملوک اردلان، سیمین صدیق، و فخرالملک مشیری به‌عنوان اعضای شورا انتخاب شدند (روزنامه اطلاعات، آبان ۱۳٤۲، ص. ۱۰). علاوه‌بر این، انجمن‌های خیریه به بستری برای فعالیت زنان کردستانی تبدیل شدند. برای نمونه، انتخابات انجمن خیریه ثریا پهلوی در سنندج در بهمن‌ماه ۱۳۳٤ش برگزار شد (همان، بهمن ۱۳۳٤، ص. ۷). در میان رؤسای ادارات شهرستان بیجار در سال ۱۳۵۰ش، تنها دو زن حضور داشتند: خانم توسلی، رئیس سازمان زنان، و خانم نادریان، رئیس خیریه فرح پهلوی (ساکما، سند ۹۱/۲۹۳/۲۵٦۵). فعالیت‌های سازمان زنان بیجار عمدتاً در مناسبت‌هایی مانند جشن‌های ۲۵۰۰ ساله شاهنشاهی متمرکز بود و شامل موارد زیر می‌شد: ۱. تزیین کردن سر درب ساختمان سازمان؛ ۲. شرکت در جشن میدان عمومی ۱۳۵۰/۷/۲۰؛ ۳. شرکت در مراسم سخنرانی ۱۳۵۰/۷/۲۱؛ ٤. جشن ولادت فرح پهلوی؛ و ۵. برگزاری نمایشگاه کارهای دستی بانوان (ساکما، سند ۹۱/۲۹۳/۲۵٦۵).

[Downloaded from journal.isihistory.ir on 2026-10-24]

[DOI: 10.61882/islamhistory.1.54.7]

نتیجه

در سال ۱۳۲۷ش، مجلس شورای ملی برنامه‌های پنج‌گانه توسعه عمرانی را تصویب و به اجرا گذاشت و هم‌زمان سازمان «مدیریت و برنامه‌ریزی کشور» برای طراحی، اجرا و نظارت بر برنامه‌های مختلف تأسیس شد. هدف این برنامه‌ها، تحرک‌بخشی به رشد اقتصادی کشور در کنار تثبیت کنترل سیاسی و اجتماعی حکومت بود. بررسی برنامه‌های مدون توسعه‌گرایانه اقتصادی و اجتماعی نشان می‌دهد که هدف اصلی از همان ابتدا، انتقال جامعه ایران از وضع سنتی و روستایی با درآمد سرانه پایین، سطح پایین بهداشت و استانداردهای زندگی محدود، به جامعه‌ای شهری، صنعتی و توسعه‌یافته بود. ورود تکنولوژی، ایجاد ساختارها و سازمان‌های مدرن به نظام اقتصادی کشور هرچند محدود، موجب برخی پیشرفت‌ها و تغییر سیمای ظاهری ایران شد، اما اثرات این تغییرات در سراسر کشور یکسان نبود. حکومت پهلوی تلاش کرد برنامه‌های توسعه اجتماعی و اقتصادی خود را در نواحی کردنشین نیز اجرا کند و به همین دلیل استانی با مرزهای جغرافیایی مشخص به نام کردستان تأسیس شد که شهرستان بیجار گروس بخشی از آن بود. یافته‌های پژوهش حاضر نشان می‌دهد که در پایان برنامه چهارم (۱۳۵۱) بیشتر راه‌های روستایی شهرستان بیجار همچنان «مال‌رو» باقی مانده بود. اجرای برنامه‌های اصلاحات ارضی، هرچند تحولات مهمی در ساختار روستاها ایجاد کرد و ارتباط مستقیم کشاورزان با زمین زراعی را برقرار کرد، اما جایگاه اجتماعی و اقتصادی مالکان را تضعیف و وابستگی روستاییان به دولت و نفوذ حکومت را افزایش داد. این سیاست‌ها زمینه مهاجرت گسترده روستاییان شهرستان بیجار به شهرهای بزرگ، به‌ویژه تهران، کرج و همدان در دهه‌های ۱۳۵۰ و ۱۳۶۰ش را فراهم ساخت تا جایی که براساس آمارهای رسمی مرکز آمار در فاصله سرشماری سال ۱۳۵۵ تا ۱۳۶۵ش جمعیت این شهرستان از ۱۱۸۶۰۰ به ۱۱۴۵۷۳ نفر کاهش یافت. در پایان برنامه چهارم، رشد تولید ناخالص داخلی کشور افزایش یافت، اما آثار این پیشرفت اقتصادی در استان کردستان و به‌ویژه شهرستان بیجار محسوس نبود. اگرچه اجرای برنامه‌های اقتصادی و اجتماعی تغییراتی ایجاد کرد، این تغییرات در شهرستان بیجار در بسیاری از حوزه‌ها با میانگین کشوری فاصله‌ای معنادار داشت و نشان‌دهنده محدودیت تأثیر سیاست‌های توسعه‌ای در نواحی کمتر برخوردار و کردنشین بود.

[Downloaded from journal.isihistory.ir on 2026-10-24]

[DOI: 10.61882/islamhistory.1.54.7]

نقشه استان کردستان و توزیع جمعیت شهری و روستایی در سال ۱۳٤٥ش (فرهنگ آبادی‌های کشور، ۱۳٤۷، ج. ٦، ص. ٥)

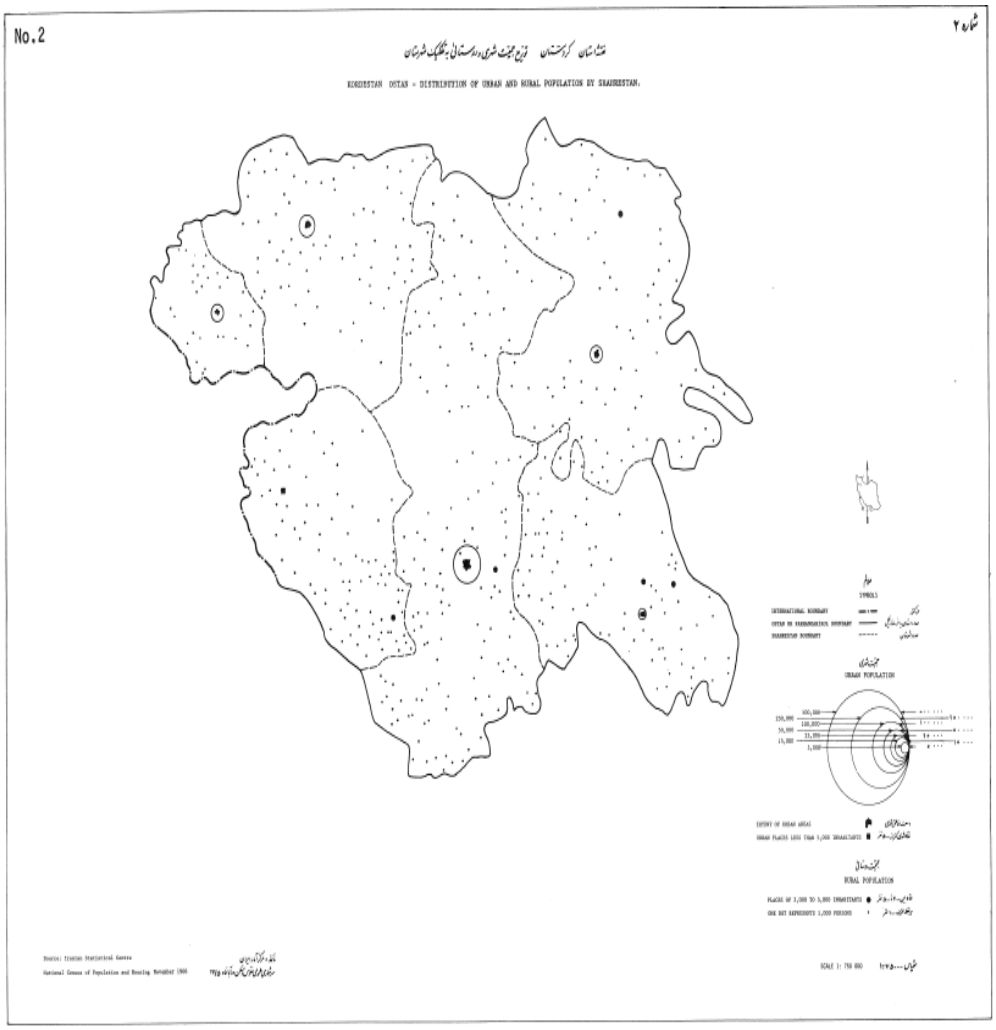

[Downloaded from journal.isihistory.ir on 2026-10-24]

[DOI: 10.61882/islamhistory.1.54.7]

نقشه شهرستان بیجار طبق سرشماری سال۱۳٤٥- قسمت اول (فرهنگ آبادی‌های کشور، ۱۳٤۷، ج. ٦، ص. ۲۱)

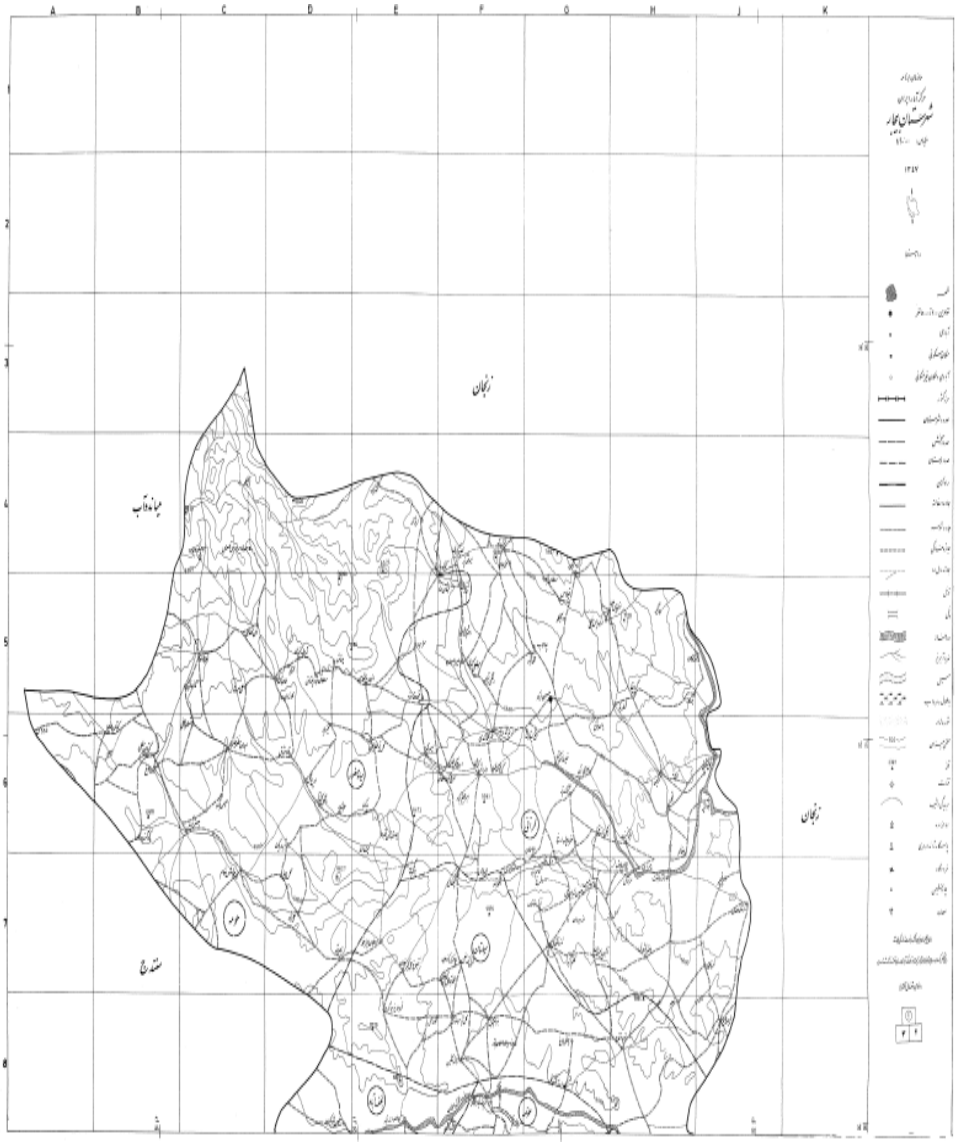

[Downloaded from journal.isihistory.ir on 2026-10-24]

[DOI: 10.61882/islamhistory.1.54.7]

نقشه شهرستان بیجار طبق سرشماری سال۱۳٤٥- قسمت دوم (فرهنگ آبادی‌های کشور، ۱۳٤۷، ج. ٦، ص. ۲۲)

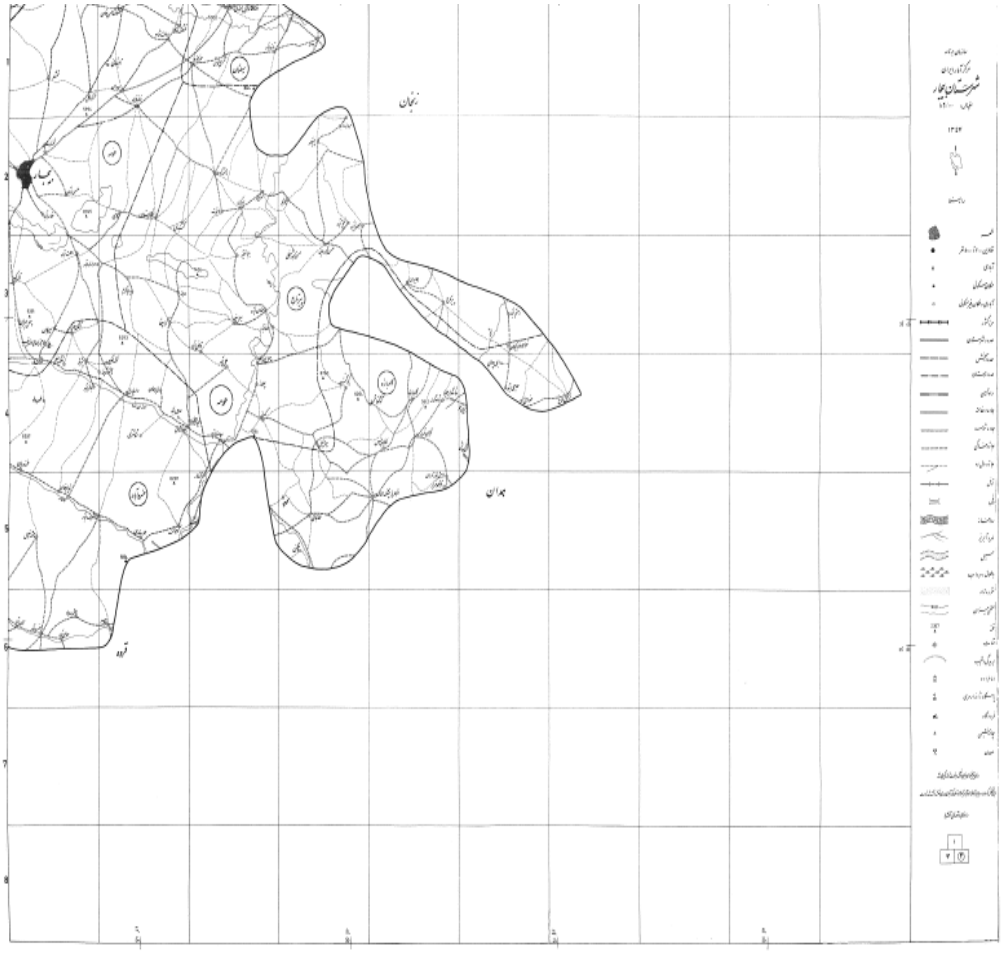

[Downloaded from journal.isihistory.ir on 2026-10-24]

[DOI: 10.61882/islamhistory.1.54.7]

نقشه شهرستان بیجار- سال۱۳٤٥- قسمت سوم (فرهنگ آبادی‌های کشور، ۱۳٤۷، ج. ٦، ص. ۲۳)

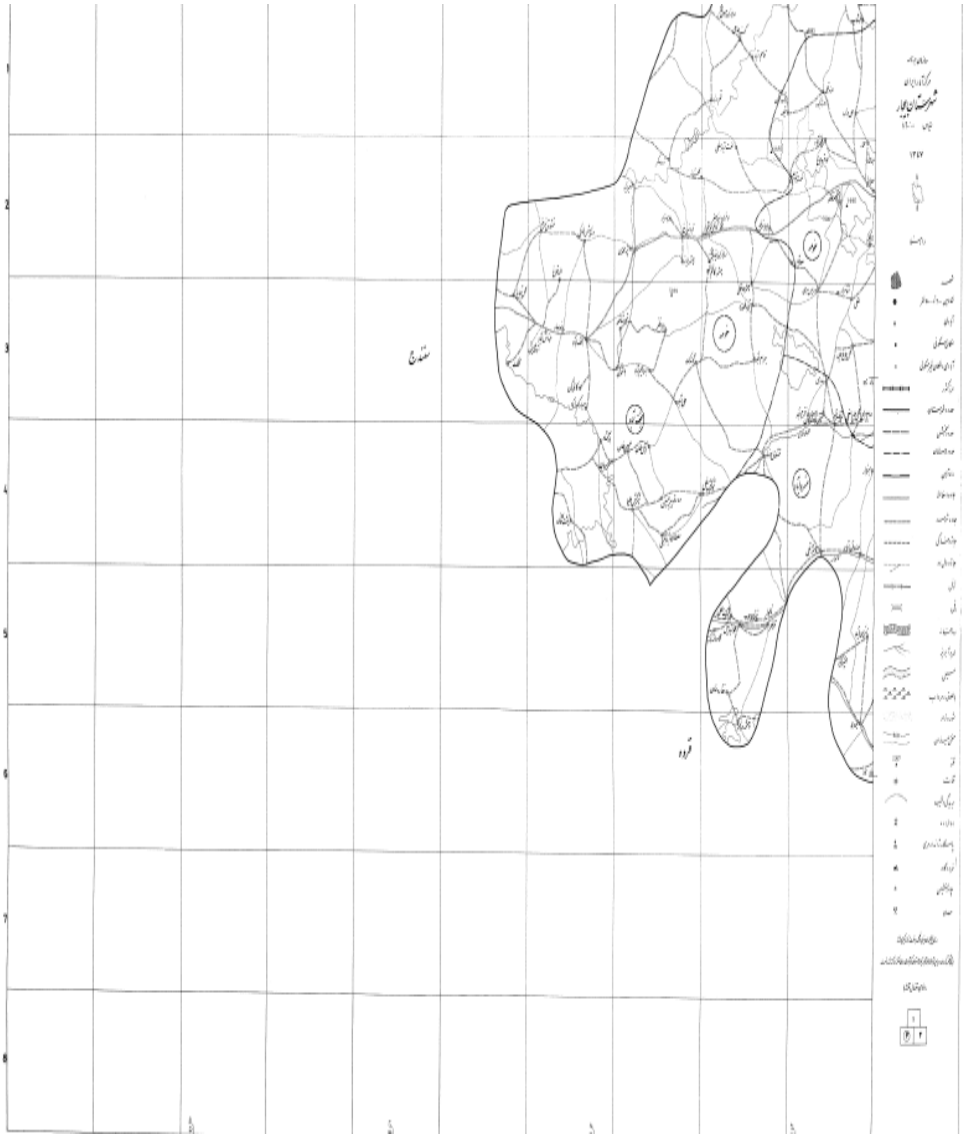

[Downloaded from journal.isihistory.ir on 2026-10-24]

[DOI: 10.61882/islamhistory.1.54.7]

منابع

- آمارنامه عمومی (۱۳۳۸). گزارش مشروح حوزه سرشماری گروس. وزارت کشور.
- آمارنامه استان کردستان (۱۳۵۵). مرکز آمار ایران.
- بریین، سن مارتین (۱۳۷۸). جامعه‌شناسی مردم کرد، «آغا، شیخ، دولت...». ترجمه ابراهیم یونسی. تهران: پانیذ.
- روزنامه اطلاعات سال بیستم، مورخ ۱۳۲۴/۱۰/۲۳؛ شماره ۱۱۲۵۰، ۱۳۴۲/۰۸/۳۰؛ ش۱۱۱۰۳، ۱۳۴۲/۳/۷؛ ش ۱۱۲۲٤، ۱۳٤۲/۷/۳۰؛ ش ۱۱۲۳۸، ۱۳٤۲/۸/۱٦؛ ش ۱۱۲۷٤، ۱۳۴۲/۱۰/۱؛ ش ۸۹۰۳، ۱۳۳٤/۰۷/۱۲؛ ش ۸۹۳۰، ۱۳۳٤/۱۱/۳۰؛ ش ۸۹۳۷، ۱۳۳٤/۱۲/۱۲.
- روزنامه ایران نوین، ش ۲۹، مورخ ۱۳٤۳/۵/۲۰.
- ساکما (سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران): شماره سندهای ۲۲۰/۱٤۷۱۹، ۲۳۰/۷۴۹۱، ۲۳۰/۱۳۷۸۶، ۲۴۰/۵۹۲۵۶، ۲۹۰/۸۳۳۰، ۲۹۰/۵۶۱۲، ۲۹۷/۳۶۲۱، ۲۹۷/۱٤۲۳۷، ۲۹۷/۱۵۰۳۸، ۲۹۷/۱۵۰۶۰، ۲۹۷/۲۰۵۹۶، ۲۹۷/۲۲۶۰۲، ۲۹۷/۲۷۸۰۵، ۲۹۷/۴۲۹۷۲، ۲۹۷/۵٦۹٦۷، ۲۹۷/۱٤۲۲٤، ۲۹۷/۲٤٦۵۱، ۲۹۷/۲۵۸۱۱، ۹۱/۲۹۳/۲٤۹۵، ۹۱/۲۹۳/۲۵۰۰، ۹۱/۲۹۳/۲۵۵۳، ۹۱/۲۹۳/۲۵٦۵، ۹۱/۲۹۳/۲۸۲۲، ۹۱/۲۹۳/۹٦۱۸، ۹۱/۲۹۳/۱۰۱۲۲.
- سجادی، عبدالحمیل (۱۳۸۱). ایلات و عشایر کردستان. سنندج: دانشگاه کردستان.
- غنی‌نژاد، موسی (۱۳۸۹ش). اقتصاد و دولت در ایران. تهران: دنیای اقتصاد.
- فرهنگ آبادی‌های کشور(۱۳٤۷). جلدششم، استان کردستان. چاپ اول. مرکز آمار ایران.
- گزارش مقدماتی مطالعات عمران ناحیه کردستان. سازمان برنامه (۱۳٤۱). تهران: بی‌نا.
- لمبتون، ا.ک.س. (۱۳۴۵). مالک و زارع در ایران. ترجمه منوچهر امیری. تهران: بنگاه ترجمه.
- مجلّه تعلیم و تربیت، دوره اوّل، ش ۱، سال ۱۳۰٤.
- مرکز اسناد ریاست جمهوری، شماره بازیابی۱٤۵۱۱؛ ۱۰۰۰۱۶۸۷۷.
- مشروح مذاکرات مجلس شورای ملی، دوره ۱۹، ج ۲۱۳، مورخ ۱۳۳۷/۴/۱۰؛ دوره ۱۹، ج ۲۴۸، مورخ ۱۳۳۴/۹/۲۵.
- وزارت برنامه و بودجه (۱۳۲۷-۱۳۶۸). مجموعه قوانین برنامه‌های عمرانی کشور. تهران: بی‌نا.

[Downloaded from journal.isihistory.ir on 2026-10-24]
[DOI: 10.61882/islamhistory.1.54.7]